

Ethical Prerequisites and Co-requisites of Acquiring Knowledge with an Emphasis on Quranic and Hadith Teachings

Safar Nasirian^{*}, Moslem Mohammadi^{**}

Abstract

The moral prerequisites of acquiring knowledge are those moral values in the field of acquiring knowledge that are needed by the Acquirer of knowledge before starting the study of knowledge and the moral co-requisites are also called those moral values that the Acquirer of knowledge need to adorn themselves with while acquiring knowledge. Considering the various ethical challenges that are seen in scientific fields, this research provides solutions to solve these challenges, without a mere abstract attitude. This article aims to examine the prerequisites and co-requisites of acquiring knowledge from the perspective of intellectual, narrative and common native custom and with descriptive and analytical methods. According to the investigations, ethics can be considered in the field of prerequisites, from three aspects; general, scientific and spiritual, and in the field of co-requisites, from the three aspects of general considerations, learning considerations and environmental social considerations. It should be said that each of the mentioned aspects include other sub-values that are discussed in this article on a case-by-case basis.

Keywords

Acquirer of knowledge, ethics, knowledge, spirituality, professor, considerations, Environment.

^{*}Assistant Professor, Shahid Rajaei Campus, Farhangian University, Urmia, Iran.
s.nasirian@ut.ac.ir

^{**}Associate Professor of Farabi School of Tehran University, Qom, Iran.
mo.mohammadi@ut.ac.ir



پیش نیازها و هم نیازهای اخلاقی دانش اندوزی با تأکید بر معارف

قرآن و حدیث

صفر نصیریان*، مسلم محمدی**

چکیده

پیش نیازهای اخلاقی دانش اندوزی به آن دسته از ارزش های اخلاقی در حوزه دانش اندوزی اطلاق می شود که دانش اندوز قبل از شروع تحصیل دانش به آنها نیاز دارد. هم نیازهای اخلاقی نیز به آن دسته از ارزش های اخلاقی گفته می شود که بر دانش اندوزان لازم است هم گام با تحصیل دانش، خود را به آنها مزین کنند. با توجه به مسائل اخلاقی گوناگونی که در فضاهای علمی به چشم می خورد، در این تحقیق، بدون نگرش انتزاعی صرف، به ارائه راهکارهایی برای حل این مسائل توجه شده است. این نوشتار بر آن است پیش نیازها و هم نیازهای اخلاقی دانش اندوزی را از دیدگاه عقلی، نقلی و عرف رایج بومی وطنی و با روش توصیفی-تحلیلی بررسی کند. طبق بررسی های انجام شده، می توان به اخلاق در حوزه پیش نیازها، از سه جنبه عام، علمی و معنوی و در حوزه هم نیازها، از سه جنبه ملاحظات عمومی، ملاحظات

* استادیار گروه معارف اسلامی پردیس شهید رجایی ارومیه، دانشگاه فرهنگیان، ارومیه، ایران.

s.nasirian@ut.ac.ir

** دانشیار گروه شیعه شناسی و معارف اسلامی، دانشکده گان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.

mo.mohammadi@ut.ac.ir

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۱



یادگیری و ملاحظات اجتماعی-محیطی توجه کرد. گفتنی است که هریک از جنبه‌های پیش گفته، خود مشتمل بر ارزش‌های زیرشاخه‌ای هستند که در این نوشتار از آن‌ها با عنوان «مورد پژوهانه» بحث شده است.

کلیدواژه‌ها

دانش‌اندوز، اخلاق، علم، معنویت، استاد، ملاحظات، محیط.

مقدمه

دنای علم و فناوری با همه خدمات و امتیازاتش، بدون توجه به اصول اخلاقی، آسیب‌های متعددی را در زیست فردی و اجتماعی بشر پدید آورده است؛ نمونه‌اش قرن بیستم است که با بنیاد لیبرالیسم و گفتمان آزادی فردی سر بر آورده و در همین قرن، به اندازه نوزده قرن پیش از آن، علم و فناوری، به‌طور معجزه‌آسایی رشد کرده است، اما سوگمندان در همین قرن، کشورهای صاحب فناوری به همان اندازه که رشد علمی داشته‌اند، جنایات بیشتری هم مرتکب شده‌اند که نمونه بارز آن، جنگ‌های جهانی است که در نهایت به کشتار گسترده مردم ژاپن انجامید؛ از این رو، ترویج آموزه‌های اخلاقی و معنوی در فضای دانش و اندیشه در همین قرن، ضرورتی دوچندان یافته است. بدین منظور، لازم است ابتدا به محیط‌های علمی که همواره مبدأ تحول و اکتشافات علمی بوده‌اند و ممکن است در این محیط‌ها تحصیل علم با دو هدف کاملاً متضاد خدمت‌رسانی به مردم یا ظلم و تعدی به حقوق آن‌ها انجام می‌گیرد، توجهی ویژه شود.

بر این اساس، دانش‌اندوز چنان که بنا دارد از نظر علمی نسبت به دیگران سرآمد باشد، از نظر مسلک و مرام نیز باید برتر باشد. اگر ما توقع داریم در تحول و اصلاح جامعه پیشرفت کنیم، باید بدانیم تا یک دانش‌اندوز، به‌عنوان الگوی نخبه، در جامعه



به وظایف خود به درستی عمل نکند، ایجاد تغییر در جامعه و رعایت الگوهای رفتاری مناسب از سوی افراد آن جامعه دور از انتظار است.

ارائه آثار علمی در این حوزه گویای اهمیت و اولویت گسترش مسئولیت پذیری اخلاقی است. البته با توجه به اینکه بیشتر پژوهش‌های موجود، نه به صورت کاربردی، بلکه از جنبه انتزاعی و تئوری صرف به حل این مسائل توجه کرده‌اند، امروزه ارائه پژوهش‌هایی نو در حوزه اخلاق دانش‌اندوزی ضروری می‌نماید. بدین ترتیب، می‌بینیم که امروزه مواردی مانند تبیین و گسترش اخلاق حرفه‌ای در سطح دانشگاه‌ها، ارائه راهکارهای عملی برای ترویج اخلاق در آموزش، پژوهش و فضای مجازی، جای خود را در پژوهش‌های اخلاقی معاصر باز کرده است.

مقاله پیش رو، با اتخاذ چنین رویکردی، بر آن است بر اساس مسائل اخلاقی متنوع که در مراکز علمی وجود دارد، به صورت کاربردی و نه انتزاعی صرف و به روش توصیفی-تحلیلی با تأکید بر معارف قرآن و حدیث، به ارائه مهم‌ترین پیش‌نیازها و هم‌نیازهای اخلاقی دانش‌اندوزی بپردازد. پیش‌نیازهای اخلاقی دانش‌اندوزی، آن دسته از ارزش‌های اخلاقی‌اند که دانش‌اندوز قبل از شروع تحصیل دانش به آنها نیاز دارد. هم‌نیازهای اخلاقی نیز آن دسته از نیازهای اخلاقی هستند که بر دانش‌اندوزان لازم است هم‌گام با تحصیل دانش، خود را به آنها مزین کنند.

پژوهش حاضر درصدد است به دو سؤال مهم در این زمینه پاسخ دهد:

- پیش‌نیازهای اخلاقی دانش‌اندوزی که لازم است از سوی دانش‌اندوزان به کار بسته شوند، کدام‌اند؟

- هم‌نیازهای اخلاقی دانش‌اندوزی که لازم است از سوی دانش‌اندوزان به کار بسته شوند، کدام‌اند؟





۱. پیش‌نیازهای اخلاقی دانش‌اندوزی

مهم‌ترین فضایل و رذایل اخلاقی که از حیث دانش‌اندوزی، توجه به آنها قبل از ورود به علم‌آموزی، زمینه سلامت اخلاقی و روحی طالب علم را فراهم می‌کند، از سه جنبه مختلف شامل پیش‌نیازهای عام، پیش‌نیازهای علمی و پیش‌نیازهای معنوی مطرح هستند که در این بخش درباره آنها بحث می‌شود.

۱-۱. پیش‌نیازهای عام

پیش‌نیازهای عام، آن دسته از نیازهای اخلاقی‌اند که به‌طور عام قبل از آغاز تحصیل اهمیت پیدا می‌کنند و اگر در اثنای تدریس لازم باشند، مقدمه‌ای بر کسب دانش‌های افزون‌تر قرار می‌گیرند. در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

۱-۱-۱. انگیزه و اشتیاق

گاهی در زوایای پنهان وجود آدمی رگه‌هایی از انگیزه و حرکت وجود دارد که باید آنها را جست‌وجو کند و بعد به تقویت آنها همت گمارد؛ چراکه انگیزه‌ها موجب قدرت انسان می‌شوند (خنیفر، ۱۳۹۷، ص ۷۸-۷۹).

بر این اساس، یک جوان جوایب تحصیل باید از همان گام اول، پرانگیزه ظاهر شود و بر حسب آن در راه تحصیل علم گام بگذارد (همان‌جا). آیات و روایات فراوانی^۱ درباره اهمیت و جایگاه دانش‌اندوزی وارد شده است تا دانش‌اندوزان انگیزه وافر برای تحصیل علم که از مهم‌ترین عوامل رشد و تعالی انسان است، کسب کنند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «آیا کسانی که می‌دانند با آنهایی که نمی‌دانند، برابرند؟» (زمر، ۹). با توجه به این آیه که بین دانش‌اندوزان و افراد جاهل

۱. برای مطالعه آیات به آن دسته از آیاتی که مشتمل بر واژگان «عقل»، «علم» و واژگان همگن دیگرند و نیز برای دسترسی به روایات به باب‌های «عقل و جهل» و «علم» در کتب حدیث مراجعه شود.

فاصله قائل شده است، یکی از مهم‌ترین معیارهای سعادت انسان و ارزشمندی اعمال او، علم و دانش است.

۱-۱-۲. اعتماد به نفس و خودباوری

انسان در سایه‌توانی که خداوند در اختیار او می‌گذارد، مثل آبی یکپارچه و قدرتمند از سدهای بزرگ زندگی عبور می‌کند و دیوارهای ایستایی و محدودیت را می‌شکند. دانش‌اندوز نیز که اراده کرده در علم و دانش روبه‌رشد باشد، با نگرش نو به توانایی‌های خود می‌تواند به شخصیت مستحکمی برسد تا از تجارب تلخ و ناملايمات مسیر دانش‌اندوزی به سلامت عبور کند (خنیفر، ۱۳۹۷، ص ۲۱۴-۲۱۵).

بر این اساس، در روایات به خودشناسی و شناخت استعدادهای درونی توجه زیادی شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «با فضیلت‌ترین حکمت، شناخت انسان به خود و قدر منزلتش است» (آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۹۹). همچنین، در نقطه‌مقابل آن می‌فرماید: «بزرگ‌ترین نادانی، ناآگاهی انسان از شأن و منزلت خویش است» (همان، ص ۱۸۹).

«ای انسان، داروی تو در درونت وجود دارد، در حالی که تو نمی‌دانی؛ همان‌طور که دردت هم از خودت است اما نمی‌بینی. آیا گمان می‌کنی تو موجود کوچکی هستی؟ در حالی که دنیای بزرگی در وجود تو نهفته است. ای انسان، تو کتاب روشنی هستی که با حروفش هر پنهانی آشکار می‌شود» (مییدی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۷۵).

شهید مطهری زمانی که در فرانسه به ملاقات امام خمینی رفت، شخصیت ایشان را چنین وصف می‌کند: «چیزهایی از روحیه او درک کردم که نه فقط بر حیرت من، بلکه بر ایمانم نیز اضافه کرد. وقتی برگشتم دوستانم گفتند: "چه دیدی؟" گفتم:



”چهار تا آمن: آمن بهدفه؛ آمن بسبيله؛ آمن بقوله؛ آمن برّبه“. یعنی به هدفش، راهش، قولش و ربّش ایمان داشت» (مطهری، ۱۳۶۷، ج ۱: ص ۲۰).

بنابراین، موفقیت هر دانش‌اندوز با الگوگیری از دانشمندان بزرگ و نقش آفرین، در این نکته نهفته است که بدون خودباوری نمی‌توان به موفقیت‌های بزرگی چون کسب علم و دانش دست یافت؛ از این رو، از چهار اصل ایمان به خدا، هدف، راه و گفتار، سه مورد اخیر به انسان و ارتباطش با دنیا مرتبط‌اند و تنها ایمان به خدا با عالم غیب و معنا ارتباط دارد.

۱-۱-۳. عزم راسخ

یکی از عوامل موفقیت دانش‌اندوز، با توجه به سختی راه تحصیل دانش و بزرگی این امر، آن است که او در ابتدا برای دانش‌اندوزی، عزمی راسخ داشته باشد. بنابراین، بر وی لازم است هر نوع شک و تردید و هراس از دشواری‌های مسیر علم‌آموزی را از خود دور کند و با اندیشیدن به جایگاه‌های رفیع در این امر پیش برود؛ چنان که خداوند می‌فرماید: «پس همان‌گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند، صبر کن» (احقاف، ۳۵).

طبق این آیه، شماری از پیامبران که پنج نفرند، به دلیل برخورداری از عزم راسخ، الگویی تمام‌عیار برای طی مسیرهای بزرگ زندگی به شمار می‌روند؛ پیامبرانی که به اهداف بزرگی اندیشیدند که پیامبران دیگر نیندیشیدند؛ از این رو، رسالت آن‌ها نیز بزرگ‌تر و جهانی‌تر شد.

از امام رضا علیه السلام سؤال شد که چگونه ایشان اولوالعزم شدند. حضرت فرمود: «نوح همراه با کتاب و شریعت مبعوث شد و هر کس بعد از او آمد، طبق کتاب و شریعت و روش ایشان عمل کرد تا اینکه ابراهیم با کتاب و صحف جدید آمد و هر پیامبری بعد از او آمد طبق شریعت حضرت ابراهیم عمل کرد. تا اینکه جناب موسی آمد



و تورات را که کتاب جدیدی بود آورد و بعد از آن هم مسیح با انجیل که شریعت جدیدی بود آمد و تا زمان پیامبر اسلام ﷺ، هر کس می آمد طبق شریعت حضرت عیسی عمل می کرد تا اینکه پیامبر اسلام با قرآن و شریعت جدیدی آمد که حرام و حلال آن تا روز قیامت به همان صورت باقی خواهد ماند» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ص ۸۶؛ قمی مشهدی، ۱۴۲۳ق، ج ۱۲: ص ۲۰۶).

یکی از راههایی که در ایجاد تصمیم های بزرگ تأثیرگذار است، مطالعه آثار و شرح حال پیامبران و بزرگان دین است. انسان با مطالعه این منابع و درک کوشش های طاقت سوز و زحمات بی امان آن ها و تحمل تمام سختی ها و رنج ها، پی می برد سعادت با کوشش و تلاش بی وقفه برای نیل به موفقیت های بزرگ محقق می شود. این روش موجب می شود عزم ما برای ورد به کارهای بزرگ استوارتر گردد و در هیچ یک از مراحل دانش اندوزی دچار سستی نشویم و روحیه استقامت و پایداری خود را از دست ندهیم. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید: «با عزم و اراده به جنگ سستی و بی حالی بروید» (آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۲۷).

ممکن است گاهی برخی موانع از جمله ترس در انسان پدید آید و در نتیجه، از بروز توانایی شخص ممانعت کند. در اینجا با کنار گذاشتن ترس، تمرکز و خطرپذیری معقول می توان حرکت کرد؛ چراکه از دست دادن برخی از فرصت ها گاهی به مراتب شکننده تر از احتمال شکست در انجام برخی کارهاست؛ چنان که حضرت علی علیه السلام می فرماید: «اگر از چیزی بیم داشتی درنگ نکن و خود را در آن بیفکن؛ زیرا سختی و حذر کردن بزرگ تر از آن چیزی است که از آن ترس داری» (نهج البلاغه، حکمت ۱۷۵).

بدین ترتیب، دانش اندوز جوان، به دلیل مسئولیتی که در قبال خود و دیگران دارد، نباید از احتمال شکست بترسد، بلکه با نگاه راهبردی به موفقیت باید خود را در مسیر موفقیت قرار دهد.



۲-۱. پیش‌نیازهای علمی

این نوع پیش‌نیازها از جنبه علمی اهمیت دارند و متعلق آن به‌طور مستقیم خود دانش است. در این نوع پیش‌نیازها به راه و روش صحیح تحصیل دانش و اولویت‌های آن اشاره می‌شود.

۱-۲-۱. حقیقت‌جویی

یکی از جنبه‌های آماده‌سازی وجودی انسان، به‌ویژه دانش‌اندوز، حقیقت‌گرایی است؛ زیرا انسان عاقل همواره در پی کشف حقیقت و آنگاه عمل به آن است. انسان‌های جاهل یا به‌دنبال حقیقت نیستند یا در سخن، دم از حقیقت‌جویی می‌زنند و در مقام عمل، به بهانه‌های واهی از پذیرش آن سر باز می‌زنند (فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۱: ص ۹۹).

بنابراین، اولین شاخصه طالب علم، حقیقت‌جویی است؛ از این‌رو، حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «برای فهمیدن سؤال کن، نه برای به‌مشقت‌انداختن سؤال‌شونده» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶: ص ۳۸۱).

در ادامه مسیر، بر طالب علم لازم است به مقتضای علم خود ملتزم باشد و آن را بپذیرد. بنابراین، وی باید حاصل عقل و علم خود را بپذیرد و از جدل و بهانه‌جویی بی‌دلیل پرهیزد؛ زیرا مخالفت طالب علم با حقیقت در واقع مخالفت با رشد و بالندگی خود اوست. اما سوگمندان به منافع فردی گاهی الزام می‌کند شخص عالم، به علم خود عمل نکند و از پذیرش آن خودداری کند. انسانی که چنین روحیه‌ای دارد، علم را وسیله رسیدن به مطامع خود قرار می‌دهد و هر وقت علم او را سود بخشید، آن را می‌پذیرد (مصباح یزدی، ۱۳۷۶ الف، ص ۳۷۲).

بر این اساس، خداوند متذکر می‌شود که اهل کتاب به خوبی حقایق را می‌شناسند، ولی کاملاً آگاهانه آن‌ها را پنهان می‌کنند؛ «کسانی که کتاب آسمانی به آنان



داده‌ایم، او (پیامبر) را همچون فرزندان خود می‌شناسند، (ولی) جمعی از آنان، حق را آگاهانه کتمان می‌کنند» (بقره، ۱۴۶).^۱

خداوند در بیان ویژگی‌های این افراد می‌فرماید: «آنان که کتابی را که خدا نازل کرده است پنهان می‌دارند، تا بهای اندکی بستانند... (خداوند) آن‌ها را پاک نمی‌سازد» (بقره، ۱۷۴).

بر اساس این آیه، کتمان‌کنندگان حقیقت، زمینه‌هدایت و علم را در باطن خود از بین می‌برند و از صفات و عقاید باطل تطهیر نمی‌شوند؛ لذا خداوند متعال درباره آن‌ها می‌فرماید: ﴿وَلَا يُزَكِّيهِمْ﴾؛ «و پاکشان نسازد» (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۲: ص ۳۳۶).

از سوی دیگر، کسانی که حق را کتمان می‌کنند، در واقع جامعه انسانی را از سیر تکامل فطری حقیقت‌جویی باز می‌دارند.

بنابراین، اگر اهل کتاب بعد از ظهور اسلام، حقایق را کتمان نمی‌کردند، ممکن بود در مدت کوتاهی، هر سه ملت یهود، مسیحیت و اسلام زیر یک پرچم گرد آیند که مع‌الأسف تا به حال، جدایی آن‌ها موجب اختلافات زیادی در جامعه بشری شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ص ۵۸۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱: ص ۵۵۰). بر اساس قرآن، سزای چنین کسانی دورشدن از رحمت الهی است (بقره، ۱۵۹).

بدین ترتیب، کتمان‌کنندگان حقیقت، علاوه بر آنکه خود از نظر اخلاقی به انحطاط کامل می‌رسند، راه را برای ورود دیگران به علوم و معارف الهی می‌بندند و از این‌رو، مشمول لعنت الهی می‌گردند.

۱. دانشمندان اهل کتاب تا قبل از آمدن پیامبر اسلام، به مردم وعده آمدن آن حضرت را می‌دادند و نشانه‌هایی را که در تورات و انجیل آمده بود، برای مردم می‌گفتند؛ ولی همین که پیامبر اسلام مبعوث شد و آن‌ها اقرار به رسالت آن حضرت را مساوی با از دست دادن مال و مقام خود دیدند، حقیقت را کتمان نمودند، تا چند روزی بیشتر در مسند خود بمانند (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۱: ص ۲۶۶).



۱-۲-۲. تحصیل علم سودمند

در گفتمان اسلامی، علمی که نفع ندارد، مطلوب نیست؛ از این رو، روایات زیادی در ترغیب به علم نافع و پرهیز از علوم غیرنافع، از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام وارد شده است.

روزی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مسجد آمد. گروهی را دید که پیرامون مردی گرد آمده‌اند. پرسید: «این کیست؟» گفتند: «علامه است». فرمود: «در چه چیز علامه است؟» گفتند: «داناترین مردم به انساب و وقایع عرب است و بیشتر از همه به روزهای مهم جاهلیت و اشعار عربی آگاه است».^۱ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «این را اگر کسی نداند، زیان نمی‌کند و کسی که می‌داند، نفعی نمی‌برد» (محمّدی ری‌شهری، ۱۴۰۳ق، ح ۱۴۱۱۴).

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این حدیث، ضمن پرهیزدادن از فراگیری علمی که نفعی ندارند، به‌طور ضمنی به این حقیقت توجه می‌دهند که آدمی به‌دلیل کوتاهی فرصت عمر، باید از برترین و بهترین علوم بهره‌مند شود. امام علی عَلَيْهِ السَّلَام نیز با مثال زیبایی این حقیقت را این‌گونه بازنمایی می‌کند که «زنبور عسل بهترین اجزای گل را برمی‌گزیند و از آن دو چیز نفیس می‌سازد: یکی عسل که شفای آدمیان است و دیگر موم که مردم از آن نور می‌گیرند» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۳۸).

امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام درباره‌ی شایسته‌ترین علوم می‌فرماید: «خود را به علمی مشغول مساز که ندانستن آن به تو زبانی نمی‌رساند و از علمی غافل مشو که ندانستن آن بر نادانی‌ات می‌افزاید» (محمّدی ری‌شهری، ۱۴۰۳ق، ح ۱۴۱۳۸). این همان اصل بهترگزینی و استفاده‌ی درست از دانش‌های موجود است؛ دانش‌اندوز از همان آغاز باید بر این اصل گوه‌ریابی متمرکز شود.

۱. البته این مذمت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بیشتر ناظر به علم انساب آن زمان بود که متوجه دنیای جاهلیت بود، نه دانشی که در زمان فعلی تا حدودی مورد توجه است.



۱-۲-۳. پرهیز از مدرک‌گرایی

عالمان وارسته هرگز بهای معرفت را با دستاوردهای مادی صرف نسنجیده‌اند و به عبارت دیگر، خود علم را گنج سعادت پنداشته‌اند و آن را به بهای دنیا نفروخته‌اند.

دانش‌اندوز طالب حقیقت نیز با الگوگیری از این بزرگان، نباید صرفاً به دستاوردهای مادی علم فکر کند و آن را فقط به منظور گرفتن مدرک بیاموزد. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «هرکس برای دنیا و مقام پیدا کردن در چشم مردمان و مورد توجه قدرت‌ها شدن به جست‌وجوی علم برآید به بابی از آن نمی‌رسد مگر آنکه عظمت و کبریایی او در نزد خودش افزون می‌شود و زبان و دست‌درازی او بر مردمان افزایش پیدا می‌کند و بی‌توجهی او به خدا و دوری او از دین بیشتر می‌شود» (حکیمی و همکاران، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ص ۳۴۳).

بدین ترتیب، علم‌آموزی صرفاً به قصد اکتساب امور دنیوی، مثل کسب ثروت، شهرت یا قدرت به واسطه اخذ مدرک، از اهداف نامطلوب علم‌اندوزی به شمار می‌رود و در نظام اخلاقی اسلام هرگز جایبی ندارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۶ب، ج ۱: ص ۶۹).

بر همین اساس، قرآن از کسانی که به انگیزه‌های غیرالهی به کسب دانش پرداخته‌اند، نمونه‌هایی را آورده و بدعاقبتی آن‌ها را متذکر شده است (اعراف، ۱۷۵؛ جمعه، ۵).

بنابراین، دانش‌اندوز باید همواره سعی کند نیت خود را الهی گرداند تا علاوه بر آنکه به سعادت می‌رسد، با مقاصد دنیوی تحصیل علم، درهای معرفت را به روی خود نبندد؛ همان‌طور که حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «محبت دنیا خرد را تباه می‌کند و دل را از شنیدن حکمت بازمی‌دارد و کيفری دردناک می‌آورد» (لیثی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۱).





۱-۳. پیش‌نیازهای معنوی

این نوع پیش‌نیازها، علاوه بر آنکه به‌طور غیرمستقیم در پیشرفت علمی دانش‌اندوز سهم دارند، انسان را از افتادن در راه‌های ناسالم کسب علم نیز رهایی می‌دهند.

۱-۳-۱. ارتباط با خدا

خوب است دانش‌اندوز علاوه بر تلاش و کوشش علمی، بخشی از وقت خویش را صرف ارتباط با خدا، مناجات، استغفار و انجام درست تکالیف شرعی کند. ره‌آورد این ارتباط، فراگیری بیشتر و بهتر دانش است. کسب دانش بدون استعانت از خداوند متعال ابرتر می‌ماند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سزاوار است طالب علم نماز بسیار بخواند و آن را خاشعانه به جای آورد؛ چه آنکه این امر خود برای فراگرفتن علم کمک و یاور است» (طوسی، ۱۳۷۰، ص ۴۶-۴۷).

در شرح احوال عالمان بزرگ اسلام مانند ابن‌سینا و ملاصدرا نیز آمده است که هرگاه به مشکل علمی برمی‌خورند، به مکان‌های مقدس مشرف می‌شدند و علاوه بر کسب آرامش، توفیق حل مسئله را نیز می‌یافتند.

ضمناً دانش‌اندوز، برای گذر از علم ظاهری دنیوی و رسیدن به علوم معنوی که از آن به نور تعبیر شده است و نیز به‌منظور کشف باطن عالم، راهی جز ارتباط با خدا ندارد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «علم نوری است که خداوند آن را در قلب هر کسی که می‌خواهد، قرار می‌دهد» (شهید ثانی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۶۷). بنابراین، علم صرفاً انباشتن معلومات ظاهری در ذهن نیست، بلکه علم همان نوری است که به‌دنبال آن علم ظاهری می‌آید (همان‌جا).

همچنین، یاد خدا بهتر از هر چیزی می‌تواند به آرامش روان‌های سرگردان کمک کند و نشاط معناداری به انسان ببخشد؛ همان‌گونه که دوری از یاد خدا موجب سردرگمی و روان‌پریشی می‌گردد؛ از این رو، قرآن، افراد را از نظر سلامت روان به

دو دسته تقسیم می‌کند: ۱) افراد غافل از یاد خدا که زندگی سراسر اضطراب و دلهره دارند: «هرکس از یاد من دوری کند، برای او زندگی سختی در راه است» (طه، ۱۲۴)؛ ۲) افراد همواره به یاد خدا که پیوسته در آرامش‌اند: «آگاه باشید که با نام و یاد خدا دل‌ها به آرامش می‌رسند» (رعد، ۲۸).^۱

۱-۳-۲. نیت آراسته

خداوند می‌فرماید: «بگو هرکس بر اساس ساختار (اخلاقی) خود رفتار می‌کند» (اسراء، ۸۴). امام صادق علیه السلام با تفسیر واژه «شاکله» به «نیت»، می‌فرماید: «نیت برتر از عمل است. آگاه باشید که نیت خود عمل است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ح ۴).

امام خمینی رحمته الله علیه در توضیح حدیث امام صادق علیه السلام، با تذکر این نکته که این سخن بر مدار حقیقت است، نه مجاز، می‌گوید: «نیت صورت کامله عمل و فصل محصل آن است؛ زیرا صحت و فساد و همچنین، کمال و نقص اعمال منوط به آن است. از این رو، گاهی بین اعمال دینی یکسانی که مؤمن و منافق از نظر صورت انجام می‌دهد، تفاوت و فاصله‌ای بین مُلک و ملکوت وجود دارد و یکی مصداق ملکوت اعلی و دیگری مصداق سقوط به اسفل سافلین است» (امام خمینی، ۱۳۷۵، ص ۳۳۱).

بدین ترتیب، زمانی علم برای دانش‌اندوز، ثمربخش خواهد بود که وی در تحصیل آن، نیت پاک و آراسته داشته باشد. بنابراین، بدون نیت خدایی نمی‌توان به مقصود اصلی علم رسید. بنابراین، اگر مقصود از تحصیل علم، رضای حضرت حق نباشد، علم هرگز آدمی را به حقیقت مطلوب نمی‌رساند، ولو آنکه علم دینی باشد. روایات بر این نکته تأکید دارند (حکیمی و همکاران، ۱۴۰۹، ج ۲: ص ۳۳۰).

۱. تأثیر معنویت و عبادت بر آرامش روح و روان انسان امروزه از نظر علمی نیز یک اصل پذیرفته و اثبات شده است. پژوهش‌های روان‌شناسان نیز نشان می‌دهد که افراد معتقد به خدا و تعلیم ادیان، شادتر و برای زندگی پرنانگیزه‌ترند. همچنین، تحقیقی که در سال ۱۹۹۸ در آمریکا انجام شد نشان داد ۴۷ درصد مردم این کشور معتقدند معنویت مهم‌ترین عامل برای شادی آنهاست (زارعی متین و حق‌گویان، ۱۳۹۰، ص ۶۱).



آثار این امر در انسان عالم، به اشکال گوناگونی ظهور می‌یابد و هریک از این اشکال در نوع خود، آثار بی‌ظیری هستند. حضرت رسول اکرم به روایت امیرمؤمنان می‌فرماید: «هر که علم را برای رضای خدا طلب کند، به هیچ بابی از آن دست نمی‌یابد مگر آنکه به سبب آن در نفس خود دارای فروتنی افزون‌تر می‌شود و در میان مردم بیشتر به تواضع می‌پردازد و ترس او از خدا افزایش می‌یابد و کوشش او در کار دین بیشتر می‌شود. این کس همان است که از علم سود می‌برد و باید آن را بیاموزد» (همان‌جا).

بر اساس روایات، علم باید برای فهمیدن باشد نه برای جدل کردن، فخرفروشی و فریب دیگران (همان، ص ۳۳۲)؛ چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هر کس علم بیاموزد تا به وسیله آن بر دانشمندان مباحثات و فخرفروشی نماید یا با سفیهان مباحثات و جزو بحث کند یا چهره‌ها را به سوی خود برگرداند، خداوند او را داخل آتش خواهد کرد» (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ص ۴۳).

۲. هم‌نیازهای اخلاقی دانش‌اندوزی

هم‌نیازها آن دسته از نیازهای اخلاقی‌اند که طی مسیر دانش‌اندوزی اهمیت پیدا می‌کنند. مهم‌ترین فضایل اخلاقی که در این دوره می‌توانند زمینه‌ساز سلامت اخلاقی و روحی طالب علم شوند، از سه جنبهٔ مختلف ملاحظات عمومی، ملاحظات روان‌شناختی و ملاحظات اجتماعی-محیطی بررسی می‌شوند.

۲-۱. ملاحظات عمومی

در ملاحظات عمومی می‌توان به اصول و موارد مختلفی اشاره کرد.

۲-۱-۱. نظم و برنامه‌ریزی

خداوند می‌فرماید: «ما هر چیزی را به اندازه (و روی حساب) آفریدیم» (قمر، ۴۹).



بر اساس این آیه، موجودات عالم روی حساب و نظم دقیق و نیز بر اساس هدف معینی قدم به عرصه هستی نهاده‌اند. نظم شکفت و محیرالعقولی که در آفرینش همه مخلوقات، حرکت سیاره‌ها و ستارگان، گیاهان، موجودات دریایی و صحرایی، بدن انسان، گردش خون و... وجود دارد، همه معلول تدبیر خداوند حکیم، مدبّر و تواناست. خدای توانا و حکیم با توجه به لزوم هماهنگی نظام تشریح با نظام تکوین، همان‌طور که نظم را در دستگاه پهناور و عظیم خلقت قرار داده است، نظم را در زندگی انسان‌ها و روابط اجتماعی آنان نیز می‌پسندد (شریعت‌مداری، ۱۳۶۹، ص ۱۴۹).

بدین ترتیب، سراسر احکام الهی قرآن در مسیر اعتدال و نظم است. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «آگاه باشید که آگاهی از آینده، خبر از گذشته، داروی درد و نظم و ترتیب (زندگی) شما در قرآن آمده است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۸).

بر این اساس، یکی از موضوعات عمده‌ای که در دوران دانش‌اندوزی باید مدنظر باشد، انضباط است. انسان‌های منضبط افرادی فوق‌العاده‌اند. به گفته اریک فروم، روان‌شناس معروف، اگر کاری را با انضباط انجام ندهیم هرگز نمی‌توانیم به درجه مهارت برسیم و اگر تنها در موردی که حوصله‌اش را داریم کاری را انجام دهیم، ممکن است تفریح خوبی باشد، ولی از ما انسان ماهر نمی‌سازد (خنیفر، ۱۳۹۷، ص ۱۸۴).

دانش‌اندوز جویای موفقیت می‌داند که هیچ انسانی با درهم‌ریختگی کارها و ناستواری امور، نه تنها به جایی نمی‌رسد، بلکه با گذشت زمان حسرت او برای اتلاف عمر بیشتر می‌شود. مواجهه تخصصی با زمینه‌های موردعلاقه، یادداشت‌برداری منظم از یافته‌های مفید و تعمق در آنها، از نیازهای دانش‌اندوز برای ارتقای سطح علمی است.

برنامه‌ریزی هم در کنار نظم، در پیشبرد علمی و عملی دانش‌اندوزان اهمیت زیادی دارد؛ زیرا دانش‌وران دارای افکار باارزشی هستند که لازم است در



صحنه‌های زندگی و در قالب موفقیت به منصفه ظهور برسند و این به شرطی حاصل می‌شود که آن‌ها برای عملی شدن افکار خود برنامه‌ریزی کنند.

امروزه زمان اهمیت بسیاری پیدا کرده است. صرف حرکت کافی نیست، باید دید کدام حرکت در کدام زمان مطلوب‌تر است و آنگاه حرکت کرد. مدیریت زمان باعث می‌شود دوست‌دار علم با صرف زمان کمتر به مقصود برسد. در مقابل، دانش‌اندوزی که با دودلی در مسیر دانش قدم بگذارد، نه تنها به مقصد نمی‌رسد، بلکه خود را هم می‌بازد و گم می‌کند و به دلیل شکست‌های متوالی، از خودش نیز ناامید می‌شود.

بارها شده که متوجه شده‌ایم هفته به پایان رسیده و هنوز کاری را سامان نداده‌ایم. این بدان دلیل است که نگاه ما به زمان نگاه روزانه و دقیقی نبوده و صرفاً به افق‌های آینده در قالب هفته و ماه چشم دوخته‌ایم. نگاه روزانه و برنامه‌ریزی ۲۴ ساعته برای استفاده بهینه از زمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا با این نگاه می‌توانیم هر روز، حداقل هشت ساعت مفید داشته باشیم و موجودیت زمان را در هفته و ماه نیز بهبود ببخشیم (همان، ص ۲۴۱).

۲-۱-۲. بردباری و تاب‌آوری

باید توجه داشت کسانی که نقطه عطفی در تاریخ بشریت شده‌اند، با تلاش مداوم و همتی مضاعف به سروری رسیدند. انسان با راحت‌طلبی راه به جایی نمی‌برد. علامه طباطبایی که اسوه طالبان دانش است، هیچ‌گاه سال مداوم به تحصیل علم پرداخت و در این مدت هرگز از کار خود احساس خستگی و دل‌سردی نکرد. از دنیا دل‌برید و به علم‌آموزی اهتمام ورزید. در این مدت بسیار می‌شد که شب‌ها را تا طلوع آفتاب به مطالعه می‌گذراند تا در کلاس درس به خوبی از عهده تدریس برآید (تیموری، ۱۳۸۹، ص ۴۵). بنابراین، دانش‌اندوز باید در زندگی کمر همت را محکم ببندد و چالاک و بی‌پروا وارد عرصه‌های علمی شود.



مغز دانش‌اندوز (به‌عنوان جایگاه فرماندهی بدن)، به‌دلیل فعالیت بیشتر، به‌شدت درگیر می‌شود. گاهی این مسئله باعث می‌شود فرد در موقعیت‌های مختلف، تسلط مناسب روانی نداشته باشد و این وضعیت گاهی به پرخاشگری منجر می‌شود. بنابراین، برای دانش‌اندوز برای مهار خشم، بیشتر از دیگران به سبب اخلاقی حلم و خودآرامی نیازمند است و همین رمز قرین شدن حلم با علم در روایات است. پیامبر ﷺ فرمود: «هیچ جمع‌شدنی بافضیلت‌تر از جمع‌شدن حلم با علم نیست» (حر عاملی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ص ۲).

حلم و علم از نظر روان‌شناختی قرین و سازگارند و به همین سان، با ضد طرف مقابل، سازگاری ندارند؛ یعنی علم با پرخاشگری و نادانی با حلم ناسازگارند. هرچا پرخاشگری غیرمعقول هست، جهل وجود دارد و هرچا بردباری هست، علم وجود دارد. در واقع، ثمره علم باید در حلم انسان دیده شود و حلم متقابلاً موجب و زمینه‌ساز علم است.

صبوری نیز برای رسیدن به موفقیت‌های زندگی دانش‌اندوز، یکی از هم‌پسته‌های علم است. انسان بدون صبوری به حقیقت علم نمی‌رسد. علم نیز چون بسیاری از نعمت‌های این جهان، تدریجی حاصل می‌شود، نه دفعی و یک‌باره. بنابراین، به نظر می‌رسد نیاز دانش‌پژوه به صبر از دیگر اقشار جامعه بیشتر است؛ زیرا دانش‌پژوه طالب جایگاه‌های والاست و رسیدن به آن‌ها، صبر و همتی مضاعف می‌طلبد. نباید به‌علت دیرشدن کامیابی از کار دست کشید و هنگام مواجهه با سختی‌ها ناتوان گردید و انگیزه ادامه کار را از دست داد. چه بسا موفقیت همین نزدیکی باشد یا اگر دیر حاصل شود، محصول آن، ارزش زیادی داشته باشد.

۲-۱-۳. اعتدال و میانه‌روی

اعتدال و میانه‌روی در افکار و رفتار، از زمان افلاطون و ارسطو تا ادبیات اسلامی و دینی همواره مورد توجه بوده و بر آن تأکید فراوان شده است. خداوند متعال در



قرآن کریم، امت اسلامی را امت وسط و معتدل معرفی کرده و می‌فرماید: ﴿كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾؛ «بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید» (بقره، ۱۴۳). بر اساس این آیه، رعایت اعتدال و میانه‌روی در امور، موجب رشد و تعالی افراد می‌گردد و دانش‌اندوز نیز به آن نیاز مبرم دارد.

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ؛ ای مردم بر شما باد به اعتدال و میانه‌روی، به اعتدال و میانه‌روی، به اعتدال و میانه‌روی» (متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۳: ص ۲۸). تأکید حضرت، بر امر اعتدال در این روایت، حاکی از آن است که این اصل، تأثیر بسیار زیادی در تداوم امور به‌ویژه تحصیل علم دارد.

۲-۱-۴. عمل‌گرایی و شعارگرایی

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی به زبان می‌گویید که در مقام عمل خلاف آن می‌کنید؟» (صف، ۲). طبق این آیه، شعارزدگی مناسب حال انسان مؤمن نیست. شایسته است مؤمن قبل از آنکه سخنی بگوید، خود به آن عمل کند. ارتباط علم و عمل به‌گونه‌ای است که می‌توان گفت علم به عمل زنده است و اگر علمی توأم با عمل نباشد، پایدار نیست و در اثر بی‌عملی از بین می‌رود؛ چنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «علم، عمل را فریاد می‌زند، اگر نیاید علم کوچ می‌کند» (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۶).

قرآن نتیجه بی‌عملی را این‌گونه ترسیم کرده است: «عاقبت کسانی که اعمال زشت را مرتکب می‌شوند، به آنجا ختم می‌شود که (به‌رغم ایمان اولشان) آیات الهی را تکذیب می‌کنند» (روم، ۱۰). انسان با بی‌عملی دچار نوعی دوگانگی شخصیت می‌شود؛ از یک‌سو، علم به‌سوی عمل فرامی‌خواند و از سوی دیگر، عالم به دلایل مختلف (از جمله هوای نفس) به علم خود عمل نمی‌کند که در این صورت، درون او پر از آشوب می‌شود و به‌ناچار از میان علم و جهل یکی را برمی‌گزیند. این



حقیقت را قرآن چنین بیان کرده است: «خداوند [به دلیل اینکه به علمشان وفادار نماندند] و به تعهدی که پیش خدا کرده بودند، عمل نکردند، در دل‌هایشان تا روز قیامت، نفاق را باقی گذاشت» (توبه، ۷۷).

بدین ترتیب، بر اساس معارف قرآن و حدیث، کسی که فعلش تصدیق‌کننده قولش نباشد، عالم نیست و این چیزی فراتر از آن است که بگوییم چنین کسی عالم بی‌عمل است؛ بلکه باید بگوییم او جاهل بی‌عمل است.

۲-۲. ملاحظات یادگیری

در این بخش، اصولی را برمی‌شماریم که در فراگیری بهتر علم، مفید و مؤثرند.

۲-۲-۱. تمرکز بر یادگیری

اولین شرط اساسی در ایجاد تمرکز در کلاس درس، خوب گوش دادن است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «وقتی نزد عالمی رفتی، باید حرص تو به شنیدن، بیش از میلت به سخن گفتن باشد؛ بنابراین، لازم است خوب گوش دادن را مانند خوب گفتن فراگیری و صحبت آن عالم را به خاطر کسی قطع نکنی و در مقابل او بنشین و در حضور او با دست و چشم اشاره نکنی» (محمدی ری‌شهری، ۱۴۰۳ق، ۱۳۵۹۳). خوب دیدن نیز مانند خوب گوش دادن برای تمرکز لازم است. اساساً برای دریافت بهتر شنیده‌های استاد در کلاس درس، دانش‌اندوز گاهی ناگزیر است به‌نحوه ادای کلمات نیز توجه کند.

برای تقویت تمرکز لازم است انسان از مکان‌ها و زمان‌هایی که یادگیری را افزایش می‌دهند، بهره بگیرد و شرایط مشابه دیگر را نیز به‌خوبی و برای یادگیری کامل مهیا کند. مرور ذهنی درس قبل از شروع آموزش نیز کمک شایانی به تمرکز دانش‌اندوز می‌کند؛ زیرا موجب کاهش اضطراب او می‌شود. همچنین، دانش‌اندوز با یادآوری معلومات قبلی بهتر می‌تواند برای پیگیری درس و ارتقای سطح معلوماتش

تمرکز کند. بنابراین، مرور آموخته‌های جلسات قبلی هم در تقویت تمرکز دانش‌اندوز مؤثر است.

۲-۲-۲. تفکر ژرف

نباید فراموش کرد که دانه‌ها در سرزمین امکانات خواهند روید و بسیاری از امکانات پیش از اینکه فیزیکی باشند، در اندیشه ما جای دارند. اگر آن‌ها را بارور کنیم و اجازه بالندگی دهیم، این کاشت و رویش همیشه دوام خواهد داشت؛ از این رو، برای طالبان دانش ضرورت دارد به اندیشه‌های قدیمی خود را بازبینی کنند و به ارزیابی دقیق آن‌ها پردازند تا زمینه تغییر را در درون آن‌ها بیابند.

فکر و اندیشه به‌عنوان مهم‌ترین جنبه وجودی بشریت که وجه ممیز او از تمام موجودات است و او را در عرصه‌های فردی و اجتماعی و مادی و معنوی زندگی راهنمایی می‌کند، در قرآن و احادیث اولیای دین جایگاهی بس رفیع دارد. از پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر معصومان علیهم السلام، نکات ظریف متعددی درباره اصل تفکر و تدبر نقل شده است. پیامبر اکرم می‌فرماید: «بنیاد و اساس آدمی، خرد اوست» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸: ص ۱۸۱) و حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «هیچ دانشی مانند تفکر نیست» (نهج البلاغه، ح ۱۱۳).

تفکر از دیدگاه اسلام آن‌قدر ارزشمند است که حتی مسائل معنوی و امور عبادی با این ملاک، ارزش گذاری می‌شوند؛ از این رو، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «دو رکعت نماز کوتاه با تدبر، از نماز در تمام شب بهتر است» (طبرسی، ۱۳۸۶، ص ۳۰۰). حضرت علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «برترین عبادت، اندیشیدن درباره خدا و قدرت اوست» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ص ۵۵).

این احادیث، نمونه‌هایی از سخنان پرشمار بزرگان دین در ارزشمندی تفکر هستند. در قرآن نیز حدود سیصد بار از واژه‌های مربوط به تفکر استفاده شده است.



جالب اینکه حتی در شب قدر که به شب عبادت معروف است، به مطالعه و دقت علمی و سازنده سفارش شده است.

۲-۲-۳. پرسش‌گری و نوآوری

سؤال کردن، نصف علم است. بنابراین، در جایی که مطلبی مفهوم نیست یا در سخن استاد ابهام وجود دارد و یا زمینه علمی جدیدی را برمی‌انگیزاند، دانش‌اندوز می‌تواند به پرسش‌گری پردازد. پرسش‌گری دانش‌اندوز فوایدی در بر دارد؛ از جمله اینکه باعث می‌شود فضای کلاس درس از یک‌جانبه‌بودن خارج شود. همچنین، پرسش‌گری در فهم بهتر درس تأثیرگذار است و حتی گاه عرصه‌های پژوهشی جدیدی را به روی دانش‌اندوز می‌گشاید تا با همکاری استاد آن را تحقق بخشد و به تولید علم پردازد.

خلاقیت و ابتکار در همه انسان‌ها وجود دارد، ولی مهم آن است که آن را به کار بندیم و از فکر خلاق خود سطحی و زودگذر نگذریم و آن را پرورش دهیم. خلاقیت یک‌درصد فکر بکر است و ۹۹ درصد آن زحمتی است که برای ارزیابی، بسط و گسترش و تعمیم آن فکر خلاق می‌کشیم.

توماس ادیسون می‌گوید: «ابتکار زمانی معنا دارد که انسان گسسته از جمع و برخلاف مسیر آب شنا کند». چنین انسان‌هایی به آنچه دیگران به اهمیت آن واقف نیستند اهمیت می‌دهند، دچار روزمرگی نمی‌شوند، سختی‌ها را تحمل می‌کنند و ملامت راحت‌طلبان را به جان می‌خرند تا به ابتکار برسند.

ادیسون در کودکی از مدرسه اخراج شد و در دوران نوجوانی و جوانی شکست‌های فراوانی را تجربه کرد، ولی از تلاش دست نکشید تا اینکه امروزه او را از مشاهیر صنعت می‌شماریم و بیش از دویست اختراع به نام او ثبت شده است. بنابراین، کارهای بزرگ مستلزم استقامت بیشتری هستند و اهل استقامت با شکست بیگانه‌اند (خنیفر، ۱۳۹۷، صص ۹۴ و ۹۸).



اگر دانش‌اندوز مبتکر باشد، دیگران که به ابتکار او نیاز دارند، از او حمایت می‌کنند و با تولید انبوه ابتکار و اختراع او، مسیر پیشرفت را برای جامعه باز و هموار می‌بینند.

۲-۳. ملاحظات اجتماعی-محیطی

معاشرت دانش‌اندوز با دیگر دانش‌اندوزان، استادان و کارمندان دانشگاه، تجربه‌ی جدیدی از حضور او در اجتماع و ارتباط با دیگران است. بر این اساس، در اینجا جنبه‌های مهم حاکم بر زندگی دانش‌اندوز بررسی می‌شود.

۲-۳-۱. احترام به استاد و فروتنی در برابر او

در فرهنگ اسلامی، معلم و استاد جایگاه بلند و ممتازی دارد. پیامبر ﷺ در این باره فرمود: «هر کس به کسی مسئله‌ای بیاموزد، مالک و صاحب او می‌گردد» (محمدی ری‌شهری، ۱۴۰۳ق، ح ۱۳۵۹۵). امام سجاد علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: «حق کسی که به تو علم می‌آموزد این است که او را تکریم کنی و گفت‌وگویی با او را ارج بنهی و به دقت به سخنان او گوش کنی و در برابر او صدایت را بلند نکنی» (همان، ح ۱۳۵۹۱).

در آموزه‌های اسلامی، احترام به معلم که پدر معنوی و روحانی انسان است، وظیفه‌ای انسانی است و خود مبنای توفیقاتی خواهد شد. در همه حال باید معلمان و استادان را محترم شمرد و از آنان به نیکی یاد کرد. تواضع و فروتنی در برابر آنها، عمل به دستورها و راهنمایی‌هایشان، تکریم و بزرگداشت آنها در شرایط مختلف و یاد کردن از کمالات و ارزش‌های علمی و اخلاقی‌شان از جمله وظایف اخلاقی دانش‌اندوز است.

احترام به معلم، مانند احترام به والدین، حد خاصی ندارد و در همه حال، چه در حیات و چه بعد از مرگ آنها، لازم و سفارش شده است. امام رضا علیه السلام فرمود:



«معلم الخیر و الدین یقوم مقام الاب» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۴: ص ۷۷)؛ یعنی معلم خوبی و دین، جانشین پدر می‌شود. عجیب‌تر آن است که احترام و جایگاه معنوی معلم از پدر و مادر (با آن همه احترام و قداست و شرافتی که خداوند برای آن‌ها در نظر گرفته است)، برتر است.

۲-۳-۲. خوش خلقی

یکی از عوامل مؤثر در زندگی علمی انسان، خوش خلقی و مردم‌داری است؛ از این رو، در برخی روایات آمده است: «حسن الخلق نصف العیش» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱: ص ۳۰). کسی که به قصد کسب علم وارد دانشگاه می‌شود، اگر در فضای دانشگاه (به ویژه خوابگاه)، صمیمیت و یک‌دلی ببیند، با روحیه بهتری به تحصیل علم می‌پردازد. البته خوش رفتاری و حسن خلق دانش‌اندوز جدیدالورود نیز در ایجاد تعامل بین او و دیگران ثمربخش است.

در محیط خوابگاه معمولاً افرادی از نقاط مختلف کشور و گاه دنیا، با فرهنگ‌های مختلف حضور دارند. بنابراین، شایسته است که دانش‌اندوز در چنین محیطی برای هم‌زیستی موفق با دیگران، با آنان با اخلاق خوش مواجه شود تا دیگران نیز با او چنین رفتاری داشته باشند.

با توجه به اینکه دانش‌اندوزان ساعات زیادی از شبانه‌روز را در دانشگاه و خوابگاه می‌گذرانند، رعایت ادب و احترام به حقوق هم‌اتاقی‌ها و دیگر دانش‌اندوزان، بایسته‌ای مهم و قابل توجه است. کسی نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از همسایه‌اش شکایت کرد که از دست او در امان نیست. پیامبر به حضرت علی و سلمان و ابوذر دستور داد به مسجد بروند و فریاد بزنند: «ایمان ندارد کسی که همسایه‌اش از شر او در امان نباشد» (حر عاملی، ۱۳۷۴، ج ۸: ص ۴۸۷). همچنین، آن حضرت فرمود: «هر که همسایه‌اش را بیازارد، خداوند بوی بهشت را بر او حرام می‌کند و جایگاه او دوزخ است» (همان، ص ۴۸۲).



۲-۳-۳. رازداری

یکی از مسائل مهم اخلاقی که در محیط‌های اجتماعی، به‌ویژه در محیط‌های دانش‌اندوزی، لازم است رعایت شود، اصل رازداری است. گاهی دو دانش‌اندوز به دلیل علایقی که به یکدیگر دارند، رازهایی را در میان می‌گذارند تا از این طریق هم درددلی کرده باشند و هم به راهکاری مشترک برای رفع مشکل پیدا کنند. این رازها نباید در محیط‌های عمومی و نزد هم‌دانشگاهی‌ها یا هم‌خوابگاهی‌ها دیگر انتشار یابد.

به‌طور طبیعی در فضای زندگی دانشگاهی گاه انسان از مسائل و مشکلات دیگران اطلاع پیدا می‌کند که افشای آن‌ها از گناهان نابخشودنی است. متأسفانه گاهی دیده شده اندکی بی‌توجهی، آبرو و زندگی یک دانش‌اندوز را با مشکل جدی مواجه کرده است.

به نظر می‌رسد سخن لطیف و پرمعنای زیر از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اهمیت داستان را بر ما آشکار می‌کند. روزی پیامبر رو به کعبه فرمود: «آفرین بر تو، چقدر بزرگی! چه حرمت عظیمی بر خدا داری! ولی به خدا سوگند بی‌شک حرمت مؤمن از حرمت تو بیشتر است» (طبرسی، بی‌تا، ص ۱۴۹). این حدیث خود در ضرورت و اهمیت حفظ اسرار هم‌نوعان و هم‌شاگردی‌ها ما را کفایت می‌کند.

۲-۳-۴. مشارکت و هم‌یاری

فضای اجتماعی دانشگاه از آنجا که تجلی فضائل و رذائل اخلاقی متعددی مانند راست‌گویی و دروغ‌گویی، خوش‌رویی و بدخلقی، تقلب و شرافت علمی و بسیاری از صفات دیگر است، یادگیری و توجه به اصول اخلاقی در زیست اجتماعی، زمینه سلامت و ارتباطات سالم دانش‌اندوز در موارد برشمرده را فراهم خواهد آورد.

مشارکت‌های اجتماعی یکی از ابزارهای سازندگی دانش‌اندوز به شمار می‌روند. دانش‌اندوز ضمن درس خواندن، در یکی از تشکلهای دانشگاهی با دانش‌اندوزان



دیگر مشارکت اجتماعی دارد. اهمیت این مشارکت در این است که اعضای سابق آن‌ها از دانش‌اندوزان مجرب هستند و دانش‌اندوز جدید با ورود به این تشکل‌ها و گروه‌ها با کارهای سازمانی و عناصر و ساختارهای کار فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در دانشگاه آشنا می‌شود و ضمن همکاری با سایر اعضای گروه، به پیشبرد مسائل دانشگاه نیز کمک می‌کند.

شاید برخی از دانش‌اندوزان به بهانه درس و فعالیت‌های پژوهشی کمتر به فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی وارد می‌شوند، اما نگارنده با توجه به بیش از بیست سال حضور در فضای دانشگاه‌های کشور، به نتیجه‌ای خلاف این رسیده است؛ چراکه با برنامه‌ریزی درست معمولاً چنین افرادی هم در امر درس و پژوهش موفق‌تر بوده‌اند و هم به دلیل برخورداری از روحیه مسئولیت‌پذیری، در آینده در زندگی فردی و سازمانی خود مؤثرتر خواهند بود.

نباید فراموش کرد که احترام به مقررات دانشگاه و تعامل سازنده با مدیران، کارکنان و مشاوران، خود نمونه روشنی از هم‌یاری و همکاری به حساب می‌آید. بنابراین، هرچند ضعف‌ها و نارسایی‌هایی در قوانین دانشگاه‌ها وجود دارد، دانش‌اندوزان می‌توانند با تغییر نگرش و با زاویه دید دیگری به رفع مشکلات خود بپردازند.



نتیجه گیری

در این مقاله، پیش نیازها و هم نیازهای دانش اندوزی بررسی شدند و نتایج زیر به دست آمد: بر اخلاق در حوزه پیش نیازها از سه جنبه عام، علمی و معنوی تأکید شد. از جنبه اول به اصول مهم انگیزه و اشتیاق، اعتماد به نفس و خودباوری و عزم راسخ؛ از جنبه دوم، اصولی همچون حقیقت جویی، لزوم تحصیل علم سودمند، و پرهیز از مدرک گرایی؛ و از جنبه سوم به اصولی مثل ارتباط با خدا و نیت آراسته اشاره شد. اما اخلاق در حوزه هم نیازها از سه جنبه مورد توجه واقع شد که عبارت اند از: ملاحظات عمومی، ملاحظات یادگیری و ملاحظات اجتماعی-محیطی. از جنبه اول به اصولی همچون نظم و برنامه ریزی، بردباری و تاب آوری، اعتدال و میانه روی و عمل گرایی و شعارگریزی توجه شد؛ از جنبه دوم به اصول مهمی مثل تمرکز بر یادگیری، تفکر ژرف و پرسش گری و نوآوری اشاره گردید؛ و از جنبه سوم، چهار ارزش اخلاقی احترام به استاد و فروتنی در برابر او، خوش خلقی، رازداری و مشارکت اجتماعی و هم یاری بررسی شد.



کتاب نامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتاب الإسلامی.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۵. امام خمینی، روح الله (۱۳۷۵)، شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶. تیموری، قنبر علی (۱۳۸۹)، کوله پستی طلبگی، تهران: کانون اندیشه جوان.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۴)، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۸. حکیمی، محمدرضا و دیگران (۱۴۰۹ق)، الحیاء، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۹. خنیفر، حسین (۱۳۹۷)، مهارت های دوران دانشجویی و تربیت معلم، تهران: راه دان.
۱۰. زارعی متین، حسن و زلفا حق گویان (۱۳۹۰)، شادی و نشاط در محیط کار و زندگی، قم: مؤسسه کتاب مهربان.
۱۱. شریعت مداری، علی (۱۳۶۹)، مقدمه روانشناسی، اصفهان: مشعل.
۱۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۰۹ق)، منیة المرید، قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
۱۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۶۲)، الخصال، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.



۱۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۴ق)، *عیون أخبار الرضا*، بیروت: منشورات مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۱۵. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۴)، *ترجمة المیزان*، سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۱۶. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۸۶)، *مکارم الاخلاق*، تهران: حیب.
۱۷. طبرسی، علی بن حسن (بی تا)، *مشکات الانوار*، نجف اشرف: کتابخانه حیدریه.
۱۸. طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۷۰)، *انیس الطالبین؛ ترجمه آداب المتعلمین*، ترجمه محمدجواد ذهنی تهرانی، قم: حاذق.
۱۹. فیض کاشانی، محسن (بی تا)، *المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: النشر الإسلامی.
۲۰. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۱. قمی مشهدی، محمدرضا (۱۴۲۳ق)، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، قم: دار الغدیر.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، *الکافی*، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۳. لیثی واسطی، علی (۱۳۷۶)، *عیون الحکم و المواعظ*، تحقیق و تصحیح حسین حسینی بیرجندی، قم: دار الحدیث.
۲۴. متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام (۱۴۰۱ق)، *کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال*، بی جا: مؤسسة الرسالة.
۲۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسة الوفا.
۲۶. محمدی ری شهری (۱۴۰۳ق)، *میزان الحکمه*، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.
۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶الف)، *اخلاق در قرآن*، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، قم: مؤسسه امام خمینی.
۲۸. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶ب)، *ره توشه؛ پنجاهای پیامبر اکرم به ابودر، تحقیق و نگارش کریم سبحانی*، قم: مؤسسه امام خمینی رحمته اللہ علیہ.



۲۹. مصطفوی، حسن (۱۳۸۰)، تفسیر روشن، تهران: مرکز نشر کتاب.
۳۰. مطهری، مرتضی (۱۳۶۷)، سرگذشت‌های ویژه از زندگی استاد شهید مطهری به روایت جمعی از فضلا و یاران، تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۲. میدی، حسین بن معین‌الدین (۱۴۱۱ق)، دیوان امیرالمؤمنین، تحقیق و تصحیح مصطفی زمانی، قم: دار نداء الاسلام للنشر.



References

1. *Holy Quran*.
2. *Nahj al-Balagha*.
3. Feiz Kashani, Mohsen (n.d), *al-Mahjaht al-Baida fi Tahdhib al-Ihya*, corrected by Ali Akbar Ghafari, Qom: al-Nashar al-Islami.
4. Hakimi, Mohammad Reza and others (1409 AH), *al-Hayat*, Tehran: Islamic Culture Publishing House.
5. Horr Ameli, Muhammad bin Hassan (1995), *Wasael al-Shia Ela Tahsil Masael al-Shariah*, Qom: Al al-Bayt Institute of Heritage.
6. Ibn Shuba Harrani, Hasan bin Ali (1404 AH), *Tohaf al-Aqool*, Qom, Islamic Publishing House of the Madrasin Community.
7. Imam Khomeini, Ruhollah (1996), *Commentary on Forty Hadiths*, Tehran: Imam Khomeini Works Editing and Publishing Institute.
8. Khanifar, Hossein (2017), *student skills and teacher training*, Tehran: rahdan.
9. Koleini, Muhammad bin Yaqub (1986), *al-Kafi*, Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyeh.
10. Laithi Waseti, Ali (1997), *Oyoun al-Hekam wa al-Mavaez*, Reserched by Hossein Hasani Birjandi, Qom: Dar al-Hadith.
11. Majlesi, Mohammad Bagher (1404 AH), *Bihar al-Anwar*, Beirut: al-vafa Institute.
12. Makarem Shirazi, Nasser (1995), *Tafsir Nemoneh*, Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya.
13. Meybodi, Hossein bin Moinuddin (1411 AH), *Diwan Amir al-Mu'minin*, researched and corrected by Mustafa Zamani, Qom, Dar Nada al-Islam Le al-nashr.
14. Misbah Yazdi, Mohammad Taghi (1997B), *Baggage; The advice of the Holy Prophet to Abu Dhar*, researched and written by Karim Sobhani, Qom: Imam Khomeini Institute.
15. Misbah Yazdi, Mohammad Taqi (1997A), *Ethics in the Quran*, researched and written by Mohammad Hossein Eskandari, Qom: Imam Khomeini Institute.
16. Mohammadi Rey Shahri (1403 AH), *Mizan al-Hikma*, Qom: School of Islamic Studies.
17. Mostafavi, Hassan (2001), *Tafsir Roshan*, Tehran, Book Publishing Center.
18. Motahari, Morteza (1988), *special anecdotes from the life of Master Martyr Motahari according to a collective narrative of sages and firends*, Tehran: Zikr Publishing and Research Institute.
19. Motaqi Indian, Alaaldin Ali bin Hesam (1401 AH), *Kanz al-Umal fi Sunan al-Aqwal wa al-Afal*, n.p: al-Risalah Est.
20. Qaraati, Mohsen (2013), *Tafsir Noor*, Tehran: Lessons from the Qur'an Cultural Center.
21. Qomi Mashhadi, Mohammad Reza (1423 AH), *Tafsir Kanz al-Daqaeeq wa Bahr al-Gharaeb*, Qom: Dar al-Ghadir.
22. Sadouq, Muhammad bin Ali bin Baboyeh (1983), *al-Khesal*, Qom: Qom Theological Seminary Society.
23. Sadouq, Muhammad bin Ali bin Baboyeh (1404 AH), *Oyun Akhbar al-Reza*, Beirut: Publications of Est. al-Alami Publications.
24. Shahid Sani, Zain al-Din bin Ali (1409 AH), *Moniyat al-Murid*, Qom, School of Islamic Media.
25. Shariatmadari, Ali (1990), *Introduction to Psychology*, Isfahan: Meshal.
26. Tabarsi, Ali bin Hasan (n.d), *Meshkat al-Anwar*, Najaf Ashraf: Heydariyeh Library.
27. Tabarsi, Hassan bin Fazl (2007), *Makarem al-Akhlaq*, Tehran: Habib.
28. Tabatabaei, Muhammad Hossein (1995), *translation of al-Mizan*, translated by Seyyed Muhammad Baqer Mousavi Hamedani, Qom: Islamic Publishing House of the Modaresin Society.
29. Tamimi Amedi, Abd al-Wahed bin Muhammad (1410 AH), *Ghorar al-Hekam wa Dorar al-Kalem*, Qom: Dar al-Kitab al-Islami.
30. Teimuri, Qanbarali (2009), *Talabegi Backpack*, Tehran: Young Thought Center.

31. Tusi, Khwaja Nasir al-Din, (1991), *Anis al-Talibin; Translation of Adab al-Mutalemin*, translated by Mohammad Javad Zehni Tehrani, Qom: Hazeq.
32. Zarei Matin, Hassan and Haq Goyan, Zolfa (2018), *happiness and joy in work and life environment*, Qom: Mehrban Kitab Institute.